دیروز و امروز

کاهش ریسک بر پایه تغییر رویکرد ملی به سوانح طبیعی

اولویت‌ها و رویکردهای جامعه باید تغییر کند

مهدی زارع

تلاش‌های اولیه برای ایجاد یک برنامه بین‌المللی برای سوانح طبیعی، دهه ۸۰ میلادی در سازمان‌ملل‌متحد آغاز شد. اعلام هفته بین‌المللی کاهش ریسک سوانح طبیعی برای هفته دوم ماه اکتبر در سال ۱۹۸۹ صورت گرفت و دهه ۹۰ میلادی به‌عنوان دهه بین‌المللی کاهش سوانح طبیعی (IDNDR) اعلام شد. اولین کنفرانس جهانی کاهش سوانح طبیعی در یوکوهاماِی ژاپن در ۲۳ تا ۲۷ می ۱۹۹۴ برگزار شد. این کنفرانس به تهیه راهبرد بین‌المللی برای کاهش ریسک به نام «راهبرد یوکوهاما برای جهانی امن‌تر» انجامید. حدود هشت‌سال بعد از کنفرانس مذبور در ۱۷ژانویه ۱۹۹۵زلزله مخرب کوبه (هانشین آواجی) با بزرگای ۶/۸ و شدتی ۶۴۳ کشته رخ داد. سازمان‌ملل‌متحد، در سال ۲۰۰۴ راهبرد بین‌المللی کاهش ریسک سوانح (UNISDR)، را منتشر کرد. مفهوم پایه در راهبرد بین‌المللی سازمان‌ملل‌متحد برای کاهش سوانح UNISDR عبارت است از «تاب‌آوری». تاب‌آوری عبارت است از ظرفیت بالقوه یک نظام، سامانه و جامعه در مواجهه با مخاطرات برای سازگاری که یا با ایستادگی یا ایجاد تغییرات برای تداوم و دستیابی به سطحی قابل قبول از کارایی حاصل می‌شود. در میزان و درجه‌ای که نظام اجتماعی، قادر به خودسازماندهی در جهت افزایش ظرفیت باشد. این کار با درس‌آموزی از سوانح گذشته برای ایمنی بهتر در آینده برای توسعه پایدار در جامعه انجام می‌شود. در دهمین سالروز زلزله۱۹۹۵ کوبه در ۱۷ژانویه۲۰۰۵ دومین کنفرانس جهانی برای کاهش ریسک سانحه، با کردهم‌آوری مسوولان دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و دانشمندان از ۱۶۸کشور عضو سازمان‌ملل‌متحد در شهر کوبه (مرکز استان هیوگو) ژاپن تشکیل شد. هدف این کنفرانس کاهش خسارت‌های سوانح از طریق آمادگی است که درنهایت به کاهش تلفات انسانی منجر شود. نتیجه عملی این کنفرانس تصویب یک چارچوب عملیاتی بین‌المللی بود: «چارچوب هیوگو برای عمل ۲۰۱۵-۲۰۰۵». در سال ۲۰۱۱ مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد از «برنامه راهبرد جهانی سازمان‌ملل‌متحد برای کاهش سوانح» خواست برای چارچوب بعد از ۲۰۱۵ کاهش ریسک سوانح برنامه‌ریزی کند. سازمان‌ملل به این منظور، جلسات مختلفی را برای اخذ نظر کشورهای مختلف برای تهیه پیش‌نویس برنامه ۱۰سالهٔ بعدی در نقاط مختلف دنیا تشکیل داده است. سازمان‌ملل‌متحد، سومین کنفرانس جهانی کاهش ریسک سانحه را نیز از ۱۴ تا ۱۷ مارس۲۰۱۵ (۲۳ تا ۲۷ اسفند ۱۳۹۳) در سندای ژاپن برگزار می‌کند تا برنامه عملیاتی برای بازه ۱۰سالهٔ ۲۰۲۵-۲۰۱۵ مصوب و برای تمام کشورهای عضو سازمان‌ملل‌متحد اعلام شود. در این مقاله سعی می‌شود تا از دیدگاه ملی به مساله کاهش ریسک و اولویت‌های ملی در این زمینه پرداخته شود. رخداد سوانح در حافظه، به‌ویژه حافظه کوتاه‌مدت جوامع معمولا با نقشی بازی نمی‌کنند یا به‌عنوان مساله‌ای با اولویت جدی در نظر گرفته نمی‌شود. نسلی که سیل بیجنبه‌مرداد ۱۳۶۶ در شمال تهران را تجربه کرد، احتمالا در قبل و بعد از آن رخداد سیلی با آن اهمیت را به چشم خود ندیده است. مردمی که در ۲۵شهریور ۱۳۵۷ در طبس و بنجه در ساعت ۱۸:۳۸ در ۱۲۰ ثانیه، زمین‌لرزه‌ای مرگبار را به چشم خود دیدند، نه قبل از آن رخداد و نه بعد از آنها، چنین رخدادی ندیده‌اند. بنابراین رخداد سوانح طبیعی معمولا به صورت حوادثی جدی مستند که در حافظه یک نسل نمی‌گنجد و روزمره نیستند. برای چنین رخدادهایی، رویکرد مناسب در جوامع درحال‌توسعه، اساسا باید تغییر کند.

۱- مسایل باأهمیت روزمره کدام‌ها هستند؟ مردم کدام مسایل را در صورت اولویت در نظر می‌گیرند؟ طبیعی است مسایل اقتصادی و معیشتی به‌عنوان یک اولویت جدی در زندگی مردم مطرح است.

۲- در سرزمین‌هایی که گرفتار نامایی هستند، نمی‌توان انتظار داشت تا مردم به مسایلی مانند زلزله و سیل و احتمال آنها به‌عنوان موضوع مهم بپردازند یا اهمیت دهند.

۳- بعضی از مخاطرات طبیعی در زمان‌هایی اهمیت فوق‌العاده می‌یابند. مساله تغییرات اقلیمی به طور کلی و مساله گم‌آبی و خشکسالی به طور خاص، مسایلی از گروه مخاطرات طبیعی هستند که اکنون در بخش‌های مهمی از سرزمین ما به‌عنوان اولویت جدی و ضروری زندگی مردمان ما تبدیل شده است. در جنوب شرقی مثلا در سیستان‌وبلوچستان که مساله خشکسالی و تغییرات اقلیمی به‌عنوان یک مساله فوری مطرح است. کفته‌کوا از مساله احتمال فوران آتشفشان بزمان و تفتان نمی‌تواند توجه جدی‌ای را برانگیزد.

۴- در سیاری از موارد، اهمیت‌ندادن به سوانح طبیعی به دلیل نداشتن تبعات و پیامدهای طولانی‌مدت و احتمالا کوتاه‌مدت آنهاست. اگر مردم از تاثیر این مخاطرات بر زندگی خود و وضع اقتصادی و معیشت و حتی امنیت خود آگاه شوند، در آن صورت رویکردشان تغییر می‌کند.

۵- دسترسی مردم به اطلاعات در مورد واقعیت مخاطرات طبیعی، اهمیت دارد. نه اغراق و نه عدم اطلاع و بی‌تفاوتی از واقعیت موجود، به ایمنی و بالایش به شرایط طبیعی، کمکی نخواهد کرد.

۶- توسعه و رشد شهرنشینی از عوامل مهم افزایش آسیب‌پذیری هستند. بعضی از جوامع اساسا در معرض سیل نبوده‌اند، ولی اخیرا به دلیل ساخت جاده و تخریب جنگل‌ها و ساخوسار در حریم رودخانه‌ها، سیل‌خیز (تر) شده‌اند. بسیاری از مردم در سده اخیر در پهنه گسل‌های فعال ساکن شده‌اند. چرا که این نواحی در حاشیه شهرها، محل سکونت بیشتر مردمان شده است. پیش از این، در چنین نواحی‌ای روستاهای پراکنده‌ای وجود داشته است. افزایش آسیب‌پذیری در مقابل مخاطرات طبیعی در سده اخیر وضعی شتابان (به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه) به خود گرفته است.

۷- برآورد واقع‌بینانه از آنچه در مورد مخاطرات طبیعی با آن مواجه هستیم، هم به برآورد ریسک و تهیه نقشه‌های روزآمد ریسک مخاطرات طبیعی در مقیاس‌های کوچک (در کل کشور) و هم در مقیاس‌های بزرگ (در پهنه‌های شهری) بستگی دارد.

۸- ارزیابی تاب‌آوری به صورت کمی در صورتی ممکن است که نقشه‌های ریسک پهنه‌ها، موجود باشد. در صورتی‌که ارزیابی تاب‌آوری وجود داشته باشد، می‌توان برنامه مناسبی را در مقابل مخاطره‌های طبیعی برای پیشگیری و پاسخ تدوین کرد. این کارها در ایران، بسیار الزامی است ولی هنوز بسیاری از کارهای لازم انجام نشده است.

۹- استفاده از فناوری‌های نوین و به‌روزرسانی سامانه‌های فناورانه موجود در کشور، اولویت بسیار دارد. کشورهای مساله‌دار هشدار پیش‌هنگام و پاسخ سریع برای تمام سوانح طبیعی، اجبری جدی و فوری دارد.

• دانشیار پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی مهندسی و مهندسی زلزله

نقش «تغییر نگرش» منجر به «تغییر رفتار» در رفتارهای اجتماعی

جامعه را نوآوران و مبتکران هدایت و راهبری می‌کنند

بیژن یاور

امروزه بسیاری از مفاهیم، قالب‌ها، تعاریف، قلمروها، چارچوب‌های کاری، قوانین و مقررات، حوزه‌های حقوقی و سایر موارد با حضور شیوه‌ها و مدهای جدید زندگی، خصوصا در شهرها و فناوری‌های نوین و فضاهای جدید مانند فضای مجازی، تغییر کرده (و آسیب‌پذیری‌ها، احتمالات مخاطرات، خطرپذیری‌های حوادث، سوانح، بلایا، بحران‌ها و فجایع مترتب بر این نوع تغییرات سریع) به‌سرعت در حال تغییر است و می‌توان گفت دنیای امروز نه‌تنها در اختیار متبکران، نوآوران و افراد قابل انعطاف و هوشمند است، بلکه توسط آنان هدایت و راهبری می‌شود. ایجاد «تغییر نگرش» منجر به «تغییر رفتار» از جمله مواردی است که جایگاهی ویژه در حوزه برنامه‌ریزی دارد. این امر زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که مدیریت شرایط اضطراری (حوادث، سوانح، بلایا، بحران‌ها و فجایع) مطرح می‌شود و حرکت از مدیریت شرایط اضطراری (مانند حوادث، سوانح، بلایا، بحران‌ها و فجایع) به‌عنوان مدیریت خطرپذیری (ریسک) بیان می‌شود.

همان‌گونه که در دنیای شتابان کنونی می‌بینیم، با وجود پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای که در جهان حاصل آمده است، شاهد پیچیدگی‌های مضاعف شرایط اضطراری و خسارت‌های قابل‌ملاحظه‌تر نسبت به گذشته هستیم. این مورد به عوامل و فاکتورهای مختلف و متنوعی ربط دارد که ازجمله آن می‌توان به بهره‌گیری بیش از حد برخی از سودجویان از طبیعت، مکانیسم‌های پیچیده به کار گرفته‌شده توسط انسان‌های فرصت‌طلب برای سودجویی‌های بیشتر، سوءمدیریت منابع غیرتجدیدشونده و عدم استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به‌صورت گسترده، عدم توجه به توسعه پایدار، فقدان مدیریت خطرپذیری و همچنین مدیریت بروز و مبتکرانه شرایط اضطراری، عدم رعایت بایسته استانداردها، قوانین و دستورالعمل‌ها، فقدان بازنگری دوره‌ای و بهنگام‌سازی استانداردها، قوانین و دستورالعمل‌ها به منظور تامین نیازهای متناسب با شرایط اضطراری با لحاظ‌کردن اقتضائات زمانی و مکانی (جغرافیایی)، فقدان حسابرسی سنجش مسوولیت، مدیریت غیرنظام‌مند و سلیقه‌ای، فقدان قانونمندی موثر متناسب با شرایط اضطراری، استثمار و استعمار کشورهای توسعه‌نیافته در قالب‌های متنوع، نوین و مدرن توسط برخی از کشورهای توسعه‌یافته و دیگر نمونه‌های مشابه اشاره کرد. عدم وجود ترمینولوژی و واژه‌شناسی واحد و به‌تبع آن، نبود زبان مشترک و فقدان درک متقابل، عدم توجه به معلولان و افراد دچار ناتوانی‌ها و نیازهایشان، فقدان توجه به نیازمندان (فقیران) و افراد بی‌بضاعت که به‌دلیل اینکه از صبح زود تا پاسی از شب در حال تامین معاش خود هستند، امکان مشارکت و ارتقای سطح آمادگی خود در برابر شرایط اضطراری را نداشته و در نتیجه آن، بسیار آسیب‌پذیر هستند، امکان تعریف بهتری از ساختار اجرایی سازمان‌های مردم‌نهاد و تعریف ساختاری بهینه برای فعالیت‌های تخصصی مبتنی بر مدیریت شرایط اضطراری و مدیریت خطرپذیری در سطح بین‌المللی، عدم ارایه آموزش‌های متناسب، متوازن و مستمر برای کلیه اقشار جامعه در کشورهای مختلف براساس نیازسنجی‌های حقیقی از پیش تعیین‌شده، همه‌وهمه از جمله عواملی هستند که آسیب‌پذیری مردم را در برابر شرایط اضطراری افزایش می‌دهد و به همین دلیل باید به‌طور جدی بر آن متمرکز شد تا بتوان از این رهگذر، آسیب‌پذیری‌ها را بیشتر کاهش داد. کنفرانس جهانی کاهش ریسک سندای ۲۰۱۵ حداقل باید به تبعیض‌ها، تضادها و عدم تطابق‌ها و دلایل آن، پاسخی مطلوب و واقع‌بینانه منطقی و مطابق با دغدغه‌های جهانی در قالبی به‌عنوان چارچوب کاری برای آینده و براساس منطقه‌بندی برنامه‌ریزانه ارایه کند. به‌نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده باشد که درخصوص مدیریت خطرپذیری و مدیریت شرایط اضطراری، نقشه‌راهی مبتنی بر آینده‌پژوهی تدوین شود تا از این رهگذر بتوان ضمن ایجاد زبانی مشترک، فعالیت‌های موثری درخصوص کاهش آسیب‌پذیری و به‌تبع آن کاهش خطرپذیری را به میزان معقول و متناسبی فراهم آورد. درحال‌حاضر در جهان فرآیندها، ساختارها و مکانیسم‌ها را باید به‌گونه‌ای تدوین کرد که تغییر رویکردی از رویکرد انفعالی (رویکرد مدیریت مقابله فی‌البداهه) به سمت رویکرد احتمالی (رویکرد برنامه‌ریزانه و از پیش‌تعیین‌شده- مدیریت خطرپذیری) و از آن به سمت رویکرد جامع (رویکرد همه‌جانبه) حرکت کرد.

• استاد دانشگاه بین‌المللی جابهار و عضو انستیتو تحقیقات مدیریت بحران کشورهای جنوب آفریقا

به بهانه برگزاری سومین کنفرانس جهانی پیشگیری و مبارزه با بلایای طبیعی در «سنداى» ژاپن

دیدار از موزه بزرگ زلزله در «کوبه»

محمدرضا اسلامی

از زمانی‌که مردم کشور ژاپن در ساعت ۱۴:۴۶ بعدازظهر روز یازدهم مارس، به‌ناگاه غرش عظیم زمین و خروش دریا را تجربه کرده و در برابر چالشی عظیم قرار گرفتند، سه‌سال گذشت، رخدادی که ژاپن را در برابر مشکلاتی عدیده و مصائبی بزرگ قرار داد. زلزله‌ای که بزرگترین و قدرتمندترین زلزله ثبت‌شده در تاریخ ژاپن بود، رخ داد و از پی لرزش‌های زمین، امواج سهمگین به سمت شهرهای ژاپن حرکت روانه شدند. سونامی با آبتاز، در منطقه گسترده‌ای از سواحل منطقه توهوکو یافت نابودی بیش از یکصدهزار متر مکعبی و زیرساخت‌های شهری شد و نزدیک به ۳۰هزارنفر از شهروندان این منطقه را به کام مرگ کشاند. کشور ژاپن در تاریخ معاصر خود، خاطره ویران‌شدن‌های زیادی را در دهن دارد؛ کشوری عاری از ذخایر زیرزمینی، قرار گرفته در منطقه آتلانتوس و واقع بر سرزمین لرزان (زلزله‌خیز)، اما برخوردن با شکست‌ها برخوردی عبرت‌آموز است.

در جریان جنگ‌جهانی‌دوم، ژاپن بیش از تمام کشورهای دنیا آسیب دید و به تعبیری تقریبا کلیه‌شهرها به ویرانه‌ای بزرگ شد. اما ژاپن جدای از ویرانی‌های عظیم جنگ‌جهانی‌دوم، خسارت‌های مالی زیادی نیز از زمین‌لرزه‌های متعدد متحمل شده است. نکته عبرت‌آمیز، ساختار فرهنگی و اقتصادی است که توانسته با آن (و صرفا با کار!) چنان ثروتی تولید کند که جبران خسارت زلزله به معنی آنچه رفت) را کند. «تولید ثروت» البته با توزیع ثروت همراه بود، به‌نحوی که ایجاد آبادانی و توسعه کشور به ایجاد رفاه «عمومی» منتهی شده است. تا پیش از زلزله و سونامی ۱۱مارس(۲۰۱۱)، شاید تلخ‌ترین خاطره مربوط به ویرانی‌های ناشی از یک زلزله بزرگ، به زلزله ۱۹۲۳ توکیو بازگردد. این زلزله به زلزله بزرگ کانتو معروف است. تصویر ذهنی مردم ایران از این زلزله به سرپال سال‌های دور از خانه بازمی‌گردد! در سرپال سال‌های دور اخانه، به تاثیر مخرب این زلزله بر زندگی مردم اشاره شده بود. البته آمارهای زلزله کانتو وحشتناک‌تر از تصور ماست. در اثر زلزله‌ای باشدت ۸/۳ریشتر حدود ۵۰هزارنفر به‌طور مستقیم و در اثر آوار ماژان کشته شدند. اما قسمت وحشتناک قضیه آتش‌سوزی‌هایی است که بعد از زلزله ایجاد شده و پس از چندساعت (به دلیل وزش باد، شدت‌گرفته) و شهر را در حریقی عظیم فرومی‌کشد. زلزله توکیو در ساعت ۱۱:۵۸:۴۴ رخ می‌دهد؛ ساعتی که بسیاری از اجاق‌های منازل جهت پخت غذا روشن بوده است. حریق عظیمی در شهری که خانه‌های چوبی زیادی داشته، ایجاد می‌شود. این آتش حدود ۹۰هزار نفر از مردم توکیو را به کام کشیده و آنها را به شکل دردناکی می‌کشد.

اما زلزله کوبه در سال۱۹۹۵ بزرگ‌ترین زلزله واقع در یک منطقه شهری با تراکم جمعیتی بالا در ژاپن بود که سال ۱۹۲۳ توکیو بوده است. در واقع ۲۴سال پس از تجربه وحشتناک شهر توکیو، زلزله‌ای در کوبه رخ داد که آسیب‌های جانی و اقتصادی زیادی‌اش، آسیب‌های این زلزله در مقایسه با آنچه در توکیو رخ داده بود، بسیار ناچیز بود. اما در مقایسه با تلاش‌هایی که طی این ۲۴سال در کشور ژاپن صورت گرفته بود، میزان خسارات غیرقابل قبول و بابود بود.

زلزله کوبه در ساعت ۵:۴۵ صبح ۱۷ ژانویه ۱۹۹۵ رخ می‌دهد. حدود شش‌هزار نفر در اثر آوار منازل کشته می‌شوند. یکی از دوستان زاپنی‌ام می‌گفت: «خوش‌شانس بودیم چون در این ساعت قطارها هنوز به حرکت درنیامده بودند تا کشته‌ها بیشتر شود. خوش‌شانس بودیم چون زمستان بود و مشکل قطعی آب بحران‌آفرین نشد و به دلایل زیاد دیگری معتقد بود که شانس با اهل کوبه همراه بوده است...»

در اثر این زلزله، ساختمان‌های زیادی دچار آسیب‌های جزیی تا کلی و حتی فروریختگی شدند. پل‌های بزرگ‌ترانه و راه‌آهن‌های بسیاری، دچار فروریختگی شدند. آب شهر به مدت ۱۰روز قطع شد. عکس معروفی که عموم مهندسان از این زلزله دیده‌اند، مربوط به فروریختگی یک پل بزرگ اتوبان هانشین است. ۱۸پایه یک پل بزرگ‌راهی در اثر بی‌دقتی زمان ساخت، شکسته و پل سمبلی از بی‌توجهی پیمانکار و دستگاه نظارت در روند ساخت شد؛ اتفاقی که بسیاری از مهندسان ژاپنی می‌پندارند نباید در کشوری مثل ژاپن رخ دهد. علت شکستگی پایه‌های پل خیلی ساده بود: استفاده صرف از آرماتورهای عمودی و عدم استفاده از آرماتورهای افقی (به دلیل عدم وجود آرماتورهای افقی، آرماتورهای عمودی دچار کمانش شده‌اند). یکی از ویژگی‌های زلزله کوبه نیز بروز آتش‌سوزی‌هایی است که بعد از زلزله در بخش غربی شهر ایجاد شد. بیش از رخنه توکیو در ۱۹۲۳ بروز چنین اتفاقی غیرقابل پذیرش بود. این حریق نیز باعث ویرانی بسیاری از اخانه‌ها شد.

اما پس از زلزله بازسازی شهر کوبه به نحوی صورت پذیرفت که حاصل آن شهری امین و مقاوم در برابر زلزله شده است. شهری که «نمونه» تمام‌عیار اقدامات پیشگیرانه در مواجهه با یک بحران است. نماد‌های متعددی از زلزله در شهرهای کوبه و توکیو وجود دارد. می‌توانیم بگوییم کوبه یک موزه زلزله بزرگ است. مدیریت آگاه توانسته از شهری که نامش با نام زلزله همراه شده، حسن استفاده را کرده و یک اتفاق را به تبدیل به فرصت کند. در ۱۱مارس ۲۰۱۱ کشور ژاپن باوجود برخورداری از چنین عقبه تجربه و علم، برابر چالشی بسیار پیچیده قرار گرفت. واقعیت این است که دانش متخصصان ژاپنی باعث شد تا در جریان این بحران جدید، کشور کمترین آسیب‌ها را از بابت زلزله متحمل شود. خانه‌ها و ساختمان‌های بسیار محدودی در اثر زلزله آسیب دیدند. اما عمده کشته‌ها ناشی از رخداد سونامی و ورود آب به شهرها بوده است. اما چالش اصلی برای کشور ژاپن مشکلات دامنه‌دار ناشی از بحران نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما بوده و هست. این بحران جدید و آلودگی‌های هسته‌ای ناشی از آن در منطقه فوکوشیما همچنان برقرار است و متخصصان ژاپنی در تلاش برای حل مشکلات این نیروگاه نیمه‌ویران هستند.

آنچه امروز برای ما و کشور عزیزمان ایران مهم است، بهره‌برداری از چنین تجربه گران‌قیمتی در مواجهه با بحران‌های طبیعی است. تجربه تاریخی کشور ژاپن از سال ۱۹۲۳ تا به امروز، کمکی ارزرش است که باید به مطالعه دقیق‌تر آن اهتمام ورزیم.

لزوم درس‌آموزی مدیران بحران از زلزله‌های بزرگ ایران

۲۳سال پس از فاجعه

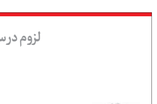

علیرضا سعیدی

برخی از صاحبنظران معتقدند زلزله رودبار نقطه عطفی در روند مدیریت بحران کشور بود. اگر این رویداد را به‌عنوان نقطه عطف قبول کنیم، بیش از ۲۳سال است که برای مدیریت بحران سوانح و وقوع زلزله، در حال برنامه‌ریزی، تصویب قانون، تعیین کارگروه‌های تخصصی و نوشتن شرح وظایفشان هستیم. این درحالی است که با گذشت ۲۳سال هنوز هم در نخستین کام پس از حادثه که ارزیابی و برآورد خسارت ناشی از حادثه و اطلاع‌رسانی در این خصوص است، دچار مشکلات اساسی هستیم و نتوانسته‌ایم حتی برای نخستین ساعات بعد از زلزله، برنامه‌ریزی مناسب و اجرایی درخوری داشته باشیم. خوشبختانه در تاریخ ۲۳شهریور ۱۳۶۳ تمامی کرایش‌های سیاسی در مسوولیت‌های اجرایی کشور بودیم‌اپم و این به ما کمک می‌کند فارغ از آنکه طی این ۲۳سال کدام وجه و کرایش سیاسی مسوولیت اجرایی کشور را به دست داشته‌اند، این اشتباهات تکراری، در تمامی زلزله‌های بزرگ کشور را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

زلزله رودبار

میدان بحران به غلط معنی رودبان زلزله را رشت و دیلمان اعلام می‌کنند. این امر موجب را دسترفتن زمان برای ورود نیروهای امدادوجات در روز نخست به منطقه حادثه‌دیده می‌شود. بعدها این اشتباه را به محدودبودن ایستگاه‌های لرزنگاری نسبت می‌دهند؛ دلیلی که هیچ‌وقت یک‌تیم بی‌طرف آن را مورد بررسی قرار نمی‌دهد.

زلزله بم

مرحوم «دفتری»، فرمانده امدادی زلزله بم، در مصاحبه خبرگزاری تسنیم تایید می‌کند در زلزله بم، میزان درد بحران وقت در وزارت کشور، با بر اطلاعات دریافتی از موسسه ژئوفیزیک، مکان وقوع زلزله را به‌اشتباه جلورمیان اعلام می‌کند. این اشتباه موجب می‌شود تا چهارساعت پس از حادثه، نیروهای پیشتاز نجات برای یافتن منطقه آسیب‌دیده به سوی جلورمیان در حرکت باشند. این در حالی است که با ورود اولین موج مصدومان به شهر کرمان، مسوولان متوجه می‌شوند حادثه در بم روی داده است.

زلزله ورزقان

مدیر ارشد بحران استان آذربایجان‌شرقی در اولین مصاحبه خود مکان زلزله را در منطقه‌ای در جنوب کلانشهر تبریز اعلام کرد و در پاسخ به پرسش در مورد میزان کشته‌ها، از نبود خسارت‌های جانی در این زلزله خبر می‌دهد؛ خبری که طی چندساعت بعدی تصحیح می‌شود، اما نتیجه این اشتباه از دسترفتن زمان طلایی نجات و بخش‌شدن برنامه طرز خدمات‌رسانی در همان روزهای نخستین از حادثه است که موجب کدورت اذهان جامعه آذری‌زبان می‌شود.

زلزله مورموری

در نخستین مصاحبه‌های انجام‌شده در همان روزهای نخستین حادثه، مدیرکل بحران استانداری، از تعیین خسارت ۱۹هزارخانه مسکونی در مناطق زلزله‌زده ایلام خبر می‌دهد. از این تعداد صفت‌هزاروه۱۰۰واحد، به احداث مجدد نیاز دارند. این در حالی است که همزمان معاون استاندار ایلام اعلام می‌کند در ارزیابی‌های انجام‌گرفته تاکنون ۱۴هزار واحد مسکونی دچار دیده است که سه‌هزاروه۵۰۰واحد آن نیاز به بازسازی اساسی دارند. این در حالی است که تاکنون برای این تناقض چهارهزار واحدی، هیچ‌گاه توضیحی از سوی مسوولان ارایه نمی‌شود. از سویی تا سه‌روز پس از وقوع زلزله، ساکنان روستایی همچون آب‌انار که بیشترین خسارت را از زلزله دیده، از داشتن چادر محروم است.

همان‌گونه که در ابتدا هم متذکر شدم، ۲۳سال از زلزله رودبار گذشته است. اما هنوز نتوانسته‌ایم حتی یک تیم ارزیاب خسارت متخصص پرورش به‌بم که قادر باشد نقشه هجشدت مرکانی را در سطح منطقه حادثه‌دیده برایمان در همان‌روز نخست تهیه کند. ۲۳سال گذشته است اما به هنوز در بحث جمع‌آوری خبرها، راستی‌آزمایی و پالایش و دسته‌بندی اخبار بسیار ضعیف و بی‌برنامه هستیم و هنوز مدیران ارشدمان در مدیریت بحران، در شیوه بیان خبرهای سی از بحران، آن‌هم در روز پس از حادثه، فاقد آموزش‌های آکادمیک و مهارت‌های لازم هستند.

• دبیرکل جمعیت کاهش خطرات زلزله ایران

ظرفیت‌های پنهان جوامع شهری را دریابیم

نقش کلیدی توانایی‌های شهروندان

محمدرضا فرزادیهتاش

همان‌گونه که می‌دانیم، تبیین تاب‌آوری دربرابر تهدیدات، درواقع شناخت نحوه تاثیرگذاری ظرفیت‌های ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، سیاسی و اجرایی جوامع و به‌ویژه جوامع شهری در افزایش و ارتقای تاب‌آوری و شناسایی ابعاد مختلف آن در شهرها است. دراین‌میان نوع نگرش به مقوله تاب‌آوری و نحوه تحلیل آن، از یک طرف در چگونگی شناخت تاب‌آوری وضع موجود و علل آن نقش کلیدی دارد و از طرف دیگر سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات مربوط به کاهش خطرپذیری و مفهوم خطر و نحوه رویارویی با آن را تحت‌تاثیر اساسی قرار می‌دهد. درواقع هدف از رویکرد تاب‌آوری کاهش آسیب‌پذیری شهرها و تقویت توانایی‌های شهروندان برای مقابله با خطرات ناشی از تهدیداتی نظیر وقوع سوانح طبیعی است.

در ۲۲ژانویه سال۲۰۰۵، چارچوب طرح هیوگو برای اجرا می‌شود. البته تحقق صحیح این موضوع بستگی زیادی به ایجاد تغییراتی در فرهنگ برخورد با کاهش مخاطرات دارد که در آن به مقوله تاب‌آوری به‌جای آسیب‌پذیری، پرداخته شده و بر آن تاکیدی خاص شود. با وجود این، مفاهیم گوناگون متاثر از پایگاه نظری مفاهیم و نیز برداشت‌های متفاوت از تاب‌آوری خود به‌وجودآورنده چالش‌های فلسفی جدیدی است. تا آنجایی که دستیابی به توافقی واحد در این‌باره به آزمونی برای سنجش دستاورد تحقیقات پیرامون مسایل شهرسازی، مدیریت ریسک و برنامه‌ریزی شرایط اضطراری و مدیریت بحران بدل شده است.

• دکترای شهرسازی
استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه

مدیریت خطر بلایا برای سلامت

پیام چارچوب جهانی بعد از ۲۰۱۵

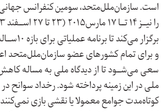

علی اردلان

تدوین ویرایش دوم چارچوب جهانی کاهش خطر بلایا که با عنوان HFA-2 نیز شناخته می‌شود، فرصت مغتنمی بود تا صاحبنظران بین‌المللی مدیریت خطر بلایا در حوزه سلامت به تبیین مجدد ارتباط این دومضوع بپردازند. فرآیند بازبینی HFA-1 و تدوین پیش‌نویس HFA-2 که سپزدهم مارس۲۰۱۵ در شهر سندای ژاپن نهایی شد، حدود ۱۸ماه به‌طول انجامیده است. در این مدت، گروه‌های کاری متعددی در سراسر جهان اما چالش اصلی برای کشور ژاپن مشکلات دامنه‌دار ناشی از بحران نیروگاه هسته‌ای فوکوشیما بوده و هست. این بحران جدید و آلودگی‌های هسته‌ای ناشی از آن در منطقه فوکوشیما همچنان برقرار است و متخصصان ژاپنی در تلاش برای حل مشکلات این نیروگاه نیمه‌ویران هستند.

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران یکی از شش‌کشور مدعو برای ارایه تجربیات و دستاوردهاست. سخنرانی‌های نماینده ایران پیرامون دومضوعی است که نظام سلامت به‌دلیل آنها از شهرت ویژه‌ای در سطح بین‌المللی برخوردار است: ۱- برنامه ایمنی بیمارستان‌ها برای بلایا با تاکید بر نهادینه‌سازی ابزار Hospital Safety Index و ۲- ادغام مدیریت خطر بلایا در نظام سلامت به‌خصوص خدمات بهداشتی اولیه (PHC). تاکید بر سلامت در سند HFA-2 که برنامه راهبردی کاهش خطر بلایا طی سال‌های ۲۰۱۵ الی ۲۰۳۰ خواهد بود، بار مسوولیت نظام‌های سلامت جهان و ایران را بیش‌ازپیش کرده است. در این سند علاوه بر موضوعاتی مانند ایمنی مراکز ارایه خدمات سلامت، پیشگیری و کنترل ایدمی‌ها و امثالهم که کارکردهای شناخته‌شده نظام سلامت هستند، تاکید بر نقش پیش‌فعال سلامت در ارتقای تاب‌آوری جامعه با جلب مشارکت بین‌بخشی قابل‌توجه است. اتخاذ این رویکرد در وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران به استقبال نقشه‌راه وزارت بهداشت جنوب‌شرقی آسیا، اتخاذ چهارسال قبل است و برای مدیران سلامت کشور عزیزمان در عملیاتی‌کردن راهبرد «مدیریت خطر بلایا برای سلامت» با بهره‌مندی از رویکرد پیش‌فعال و ارتقای مکانیسم مشارکت بین‌بخشی موفق و پیشرو باشد.

• رییس آکادمی سلامت در حوادث و بلایا
دانشگاه علوم‌پزشکی تهران

گزارش از سومین کنفرانس جهانی پیشگیری و مبارزه با بلایای طبیعی در «سنداى» ژاپن

جوامع بشری را برای تهدیدهای طبیعت آماده کنیم

در روز اول، در جلسه وزرا برای «سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام سوانح» ایجاب‌نامه نمایندگی از ایران وقت کرقتم و دقایقی صحبت کردم. موضوع صحبت ایجاب‌نامه در مورد توسعه سامانه‌های لرزه‌نگاری و شتابنگاری و سرمایه‌گذاری حدود هفت‌میلیون‌دلاری (۲۰میلیارد‌تومانی) دولت در نوسازی و به‌روزرسانی شبکه ملی شتابنگاری کشورو تلاش‌های رهبرشد در توسعه سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام زلزله و سایر سوانح طبیعی بود. من، نگارنده، در این سخنرانی اشاره کرده که تسریع و تسهیل نوسازی شبکه شتابنگاری و ایجاد و توسعه سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام و سایر سریع زلزله و سایر سوانح طبیعی، با مشارکت و همکاری علمی کشورهای پیشرفته ممکن است. این دعوت با استقبال چندین‌گروه بین‌المللی (از مرکز تحقیقات علوم زمین آلمان -GFZ- تا سازمان علمی فرهنگی و آموزشی ملل‌متحد، یونسکو) مواجه شد. جمع یکشنبه (۲۴اسفند۹۳) در جلسه رسمی وزرا نیز وقت گرفتم و در مورد «بازسازی و بازتوانی بعد از سانحه» سخنرانی کوتاهی کردم و با ذکر تجربه زلزله ۱۳۸۲ بم، در مورد چالش‌های بم بعد از بازسازی و همچن